

تحلیل جامعه‌شناختی موانع رشد اقتصاد سرمایه‌داری در ایران (مطالعه موردی نیمه‌پایانی دوره قاجار)

فردین قریشی احسین بنی فاطمه عباس قدیمی قیداری^۳
جمشید ترابی اقدام^۴

(دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۹)

چکیده

در این مقاله سعی شده است تا با بهره‌گیری از رویکرد نظری ماکس وبر در باب موانعی که سازمان مالیه عمومی، مبتنی بر تعهد جمعی برای عقلانی‌شدن اقتصاد به وجود می‌آورد و با اتکا به تلفیقی از راهبرد روشی جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری و تحلیلی، به تحلیل موانع عقلانی‌سازی اقتصاد در دوره قاجار بپردازیم. در این راستا، ابتدا ویژگی‌های سازمان مالیه عمومی مبتنی بر تعهد جمعی روستا، ایل و صنف رایج در دوره مورد مطالعه، تحلیل شده است. سپس مؤلفه‌هایی چون غلبه اقتصاد معیشتی، ممانعت از فردگرایی و گسترش اقتصاد و تقسیم کار اجتماعی، عدم رقابت‌پذیری اقتصاد در عرصه نظام جهانی، تحرک‌پذیری ضعیف اجتماعی به منزله برآیندهای نظام مالیه عمومی حاکم بر این دوره مطالعه شده است و در پایان، بر اساس یافته‌های پژوهش مفهوم عقلانیت تانسی به منزله تعدیل نظری برای انطباق بیشتر چارچوب و مفاهیم نظری با تفرد تاریخی ایران قاجاری ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: قاجاریه. سازمان مالیه عمومی، عقلانی‌سازی، سرمایه‌داری، پاتریمونیالیسم.

۱. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

*ghoreishi3583@ut.ac.ir

۲. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز.

۴. دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.

مقدمه

در سال‌های اخیر، مسئله توسعه و امکان توسعه در جوامع پیشامدرن، به‌ویژه نظام‌های اجتماعی پاتریمونیال، پژوهش‌های درخوری را برانگیخته است. در این پژوهش‌ها از نگاهی دیگرگونه به امر توسعه اقتصادی و قابلیت‌های درونی جوامع مذکور در تحقق توسعه توجه شده است. در پژوهش‌های مذکور بر دوری از رویکردهای کلیشه‌ای و مکانیکی به توسعه اقتصادی و اتخاذ رویکردی گسترده و درون‌نگر به موضوع تأکید شده است (Kelsall, 2011). بر این اساس، به‌نظر می‌رسد در مطالعات مربوط به فرایندهای توسعه اقتصادی ایران نیز نیازمند تنوع در رویکردهای قالبی هستیم که آن خود مستلزم اتخاذ رویکردی درون‌نگر و تاریخی به موضوع است؛ زیرا با توجه به اصل شومپتر، به‌محض اینکه تداوم ساختارها، سنخ‌ها و نگرش‌های اجتماعی در تاریخ شکل بگیرد، می‌توان تبیینی از الگوهای اجتماعی و فرهنگی گوناگون ارائه داد (اسکاچپول، ۱۳۸۸: ۲۱۷). یکی از برهه‌های مهم تاریخی که سیف (۱۳۹۴) آن را «قرن گمشده» نامیده و معتقد است که ریشه ناکامی‌های اقتصادی ایران را باید در تحولات این دوره جست‌وجو کرد، دوره قاجاریه (۱۱۷۵ - ۱۳۰۴ ش / ۱۷۹۶ - ۱۹۲۵ م) است (همان، ۸). این دوره تاریخی قاجار در تحلیل نویسندگانی چون آبراهامیان (۱۳۸۹) و فاضلی و سلیمانی (۱۳۹۱) همچون نقطه عطف دوره مدرن ایران در نظر گرفته شده است.

یکی از جوانبی که در بحث از دوران پیشامدرن جوامع به‌ویژه نظام‌های پاتریمونیال و فرایندهای توسعه صاحب‌نظران به آن تأکید داشته‌اند، اشکال تأمین مالی گروه‌های سیاسی و نوع سازمان مالی عمومی آن‌هاست (Weber, 1947). به‌طوری که هر چقدر سازمان تأمین مالی نظام‌های سیاسی در جوامع پیشامدرن از شیوه‌های نامنظم‌تر چون وقف و اعانه به‌سوی شیوه‌های منظم‌تر چون باج و خراج، عوارض و مالیات و نیز از پرداخت‌های غیرنقدی چون بیگاری به پرداخت‌های نقدی سوق پیدا می‌کند، شاهد توسعه هر چه بیشتر نظام‌های اقتصادی هستیم. متأسفانه در هیچ یک از پژوهش‌هایی که تاکنون به موضوع توسعه اقتصادی ایران از یک رویکرد تاریخی پرداخته شده است، از جمله «نظریه استبداد ایرانی» محمدعلی کاتوزیان (۱۳۷۲، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۹)، کتاب چرا ایران عقب ماند و غرب پیشرفت؟ از کاظم علمداری (۱۳۸۰)، کتاب موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه از احمد اشرف (۱۳۵۹)، تاریخ تحولات اجتماعی ایران (از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی) از جان فوران^۱ (۱۳۸۸)، تحلیل جامعه‌شناختی از توسعه‌نیافتگی: بررسی تطبیقی - تاریخی ایران و ژاپن از احمد رجب‌زاده (۱۳۷۳)، مطالعه تطبیقی - تاریخی رابطه ساختار

تحلیل جامعه‌شناختی موانع رشد اقتصاد سرمایه‌داری... ————— فردین قریشی و همکاران

سیاسی با توسعه اقتصادی (ایران، چین و ژاپن ۱۸۰۰ - ۱۹۲۰) از مسعود چلبی و غلامرضا عظیمی (۱۳۸۷)، اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار) از فریدون آدمیت (۱۳۹۲)، عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران از محمود سریع‌القلم (۱۳۹۵) و درنهایت، کتاب *حیات اقتصادی ایرانیان در دوره مشروطه* از سمیه توحیدلو (۱۳۹۴)، مسئله اشکال سازمان مالیّه عمومی ایران در دوره پیشامدرن و مناسبات آن با توسعه اقتصادی بررسی شده است. بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله سعی بر این است تا با اتخاذ رویکردی درون‌نگر مبتنی بر توجه به تفردهای تاریخی^۲ به شناسایی، مفهوم‌پردازی و تبیین اثرات نظام مالیّه عمومی مبتنی بر تعهد جمعی بر عقلانی‌سازی اقتصاد سیاسی و توسعه اقتصادی ایران در دوره قاجار بپردازیم.

چارچوب نظری و مفهومی تحقیق

در این مقاله در راستای هدف پژوهش‌مان رویکرد نظری ماکس وبر^۳ را با توجه به ویژگی‌هایی چون درون‌فهمی، چندوجهی‌نگری و نسبیّت روشی، به‌منزله چارچوب نظری برگزیده‌ایم. در پژوهش‌های تاریخی وبر درهم‌تنیدگی خاصی میان معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و نظریه وجود دارد به‌طوری که این ویژگی حالتی سهل و ممتنع به نظریات او داده است. وبر (۱۳۸۴: ۱۲۵) با بازتعریف مفهوم تبیین علی بر علیت خاص و ویژگی‌های فردی پدیده‌های اجتماعی متمرکز می‌شود که از لحاظ فرهنگی مهم هستند. بر این اساس او در مطالعه فرایند توسعه غرب به‌طور عام بر شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری مبتنی بر نوع خاصی از عقلانی‌شدن^۴ متمرکز می‌شود (Lowith, 1993: 49). بنابراین، در دیدگاه وبر عقلانی شدن اقتصاد به‌منزله محرک و درونمایه سرمایه‌داری محسوب می‌شود (وبر، ۱۳۸۴؛ Roth & Schluchter, 1979؛ Giddens, 1972: 36).

از دید وبر شش پیش‌شرط برای تحقق عقلانی شدن در بُعد اقتصاد و به‌وجود آمدن بنگاه اقتصادی عقلانی^۵ وجود دارد. اولین پیش‌شرط فراهم بودن همه مواد مادی مورد نیاز برای تولید است، نظیر زمین، اسباب، ماشین و ابزارآلات به‌منزله موارد قابل مصرف برای بنگاه صنعتی خصوصی. دومین پیش‌شرط آزادی بازار است؛ یعنی عدم وجود هر گونه محدودیت‌های غیرعقلانی^۶ بر تجارت در بازار نظیر محدودیت‌هایی که ممکن است در اثر تبعیت از منش طبقه‌ای خاص به‌وجود آید؛ سوم وجود تکنولوژی عقلانی و چهارم عبارت است از وجود قانون محاسبه‌پذیر و پیش‌بینی‌پذیر. از دید وبر شکل سرمایه‌دارانه سازمان صنعتی اگر به‌صورت عقلانی اداره شود، باید بر یک نظام قضائی و سازمان اداری محاسبه‌پذیر مبتنی باشد. چنین

پیش‌شرطی نه در دولت شهرهای یونان (پولیس) و نه در دولت پاتریمونیا ل آسیایی و نه حتی در کشورهای غربی تا دوران استوارت‌ها^۶ محقق بود و اما پنجمین پیش‌شرط همانا وجود کار آزاد^۸ است. در این وضعیت افراد نه تنها به لحاظ حقوقی آزاد هستند که نیروی کار خود را بدون هیچ محدودیتی بفروشند؛ بلکه به لحاظ اقتصادی مجبور به این کار هستند؛ ششمین و آخرین پیش‌شرط برای تحقق اقتصاد عقلانی سرمایه‌داری، تجاری‌سازی حیات اقتصادی است. منظور از این پیش‌شرط عبارت است از کاربرد عمومی اسناد تجاری برای نشان دادن حقوق مشترک در یک بنگاه اقتصادی و همچنین، در مالکیت دارای‌ها (Weber, 1961: 208 - ۲۰۹). از همین دیدگاه وبر در بررسی مناسبات میان نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به موانعی می‌پردازد که در نظام‌های اجتماعی پیش‌سرمایه‌داری در مسیر توسعه اقتصاد عقلانی معطوف به بازار وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱. پاتریمونیا لیس^۹؛

۲. سازمان مالیه عمومی مبتنی بر تعهد جمعی^{۱۰}؛

۳. واگذاری پرداخت‌ها^{۱۱}؛

۴. انحصارات سلطتی؛

۵. نظام رفتار ارزشی ناشی از منابع اخلاقی و مذهبی (همو، ۱۳۸۴: ۲۹۴ - ۲۹۵، ۳۷۷ -

- ۳۸۲: 201 & 241 - 237). (Weber, 1978: 201 & 241 - 237)

وبر در مطالعات خود تأکید ویژه‌ای بر اشکال تأمین مالی^{۱۲} گروه‌های سیاسی چون اعانه، وقف به‌منزله اشکال ابتدای تا نظام‌های دائمی تأمین مالی دارد. در این میان سازمان مالیه عمومی مبتنی بر تعهد جمعی از اشکال سازمانی و دائمی تأمین مالی نظام‌های سیاسی پیش از سرمایه‌داری بوده که در فرایند عقلانی شدن اقتصاد تأثیر بسزایی دارد (وبر، ۱۳۸۴: ۲۸۷؛ *ibid*، ۳۱۱، ۱۹۵ - ۱۹۴: ۱۹۴۷). از دید او در این شیوه تأمین مالی، گروه‌های سیاسی حاکم ممکن است افراد تحت سلطه خود را به‌صورت گروهی و بر اساس امتیازاتشان ملزم و متعهد به پرداخت‌های جمعی جنسی و یا انجام کار اجباری - بیگاری - کنند که وبر این رویه تأمین مالی را سازمان مالیه عمومی مبتنی بر تعهد جمعی نام می‌نهد (بندیکس، ۱۳۸۴: ۴۱۲). بر این اساس، وبر در آثار خود اساساً

بین حکومت‌هایی که نیازهای مالی‌شان از راه وصول مالیات‌ها تأمین می‌شود با حکومت‌هایی که نیازهایشان را از طریق پرداخت‌های جنسی رفع می‌کردند - چه به‌صورت ارائه خدمات باشد یا ارائه محصولات - تفاوت می‌گذاشت. وبر این شکل اخیر را [روش] «مبتنی بر تعهد جمعی» می‌نامد. [او] واژه «*diturgical*» را از واژه *liturgies* [تقریباً به

تحلیل جامعه‌شناختی موانع رشد اقتصاد سرمایه‌داری... _____ فریدین قریشی و همکاران

معنی خدمات عمومی] در دولت شهرهای باستان اقتباس کرده است. در این دولت شهرها گروه‌های معینی از مردم مسئول تهیه و نگهداری ناوگان دریایی یا تدارک اجرای نمایش-های عمومی در تئاترها می‌شدند (همو، ۱۳۸۲: ۴۱۲).

با این حال در مطالعه دیدگاه وبر (۱۳۸۴: ۷۲) در مورد نظام مالیاتی مبتنی بر تعهد جمعی، باید توجه داشت که این نظام را باید از دو بُعد به آن دقت کرد: ابتدا از جنبه جمعی بودن تعهد کل مالیات که خود یکی از مصادیق مناسبات تانسیسی^{۱۳} است و دیگر از جنبه غیرنقدی (کالایی و بیگاری) بودن مالیات. اگرچه از دید بندیکس غیرنقدی بودن مالیات بیشتر مورد نظر وبر بوده است؛ ولی به نظر می‌رسد در قدم اول جمعی بودن پرداخت مالیات که خود مانع رقابت بین اعضا و آزادی نیروی کار در یک صنف و گروه می‌شد و آن‌ها را همچون یک سهام‌دار و صنف را همچون یک شرکت در نظر می‌گرفت، مطمع نظر باشد. به هر صورت در این مقاله سعی بر این است با توجه به گستردگی مولفه‌های دخیل در توسعه اقتصادی جوامع پیشامدرن با تمرکز بر هر دو وجه این نظام مناسبات آن را با عقلانی‌سازی نظام اقتصادی ایران قاجاری ارزیابی و سنجش شود.

روش‌شناسی تحقیق

مطالعه پیش رو از نوع تحقیق جامعه‌شناسی تاریخی و با روش تاریخی - اسنادی است. در جامعه‌شناسی تاریخی می‌توان سه راهبرد عمده پژوهشی مشخص کرد که عبارت‌اند از: ۱. راهبرد کاریست الگوی عام در تاریخ؛ ۲. راهبرد جامعه‌شناسی تاریخی تفسیری و ۳. راهبرد جامعه‌شناسی تاریخی تحلیلی (تحلیل نظم‌های علی در تاریخ) (اسکاپچول، ۱۳۸۸: ۴۹۹). در واقع، هر تحقیق جامعه‌شناسی تاریخی بر حسب مقتضیات موضوع، رویکرد فلسفی و روشی محقق و هدف او در چارچوب یکی از این راهبردها یا با تلفیقی خلاق از آن‌ها انجام می‌شود. با توجه به مسئله، اهداف و چارچوب نظری تحقیق، پژوهش حاضر عمدتاً در چارچوب راهبرد تفسیری و تا حدودی راهبرد تحلیلی انجام می‌گیرد. در راهبرد تفسیری، هدف کاربرد مفاهیم برای ارائه و بسط تفسیرهای معنادار از الگوهای تاریخی کلان است. این راهبرد بیشتر بر اندیشه‌های ماکس وبر درباره تحقیق تاریخی، معناداری پدیده‌های اجتماعی و تفسیرپذیری آن‌ها و در نهایت تفرد تاریخی^{۱۴} است و از این رو، جامعه‌شناسان متعلق به راهبرد پژوهشی دوم نسبت به فایده به‌کارگیری الگوهای نظری کلان در تاریخ و نیز استفاده از رهیافت فرضیه‌های - آزمونی برای ایجاد تعمیم‌های علی درباره ساختارها و الگوهای تغییر کلان مشکوک و بدبین و بیشتر به دنبال ارائه تفسیرهای معنادار و مهم از تاریخ هستند.

بدین معنی که اولاً آنان توجه دقیق خود را به نیت و مقاصد فرهنگی بازیگران فردی یا گروهی موجود در صحنه‌های تاریخی مشخص و مورد بررسی معطوف می‌کنند و ثانیاً موضوع گزینش شده برای مطالعه تاریخی و انواع بحث و استدلال‌های آورده شده درباره آن باید یا از نظر فرهنگی و یا به لحاظ سیاسی، در حال حاضر مهم باشد (همان، ۵۰۷).
در این راهبرد محقق هم خود را مصروف تبیین ویژگی‌های خاص هر زمینه تاریخی می‌کند و بر این اساس نیازی ندارد که از یک الگوی کلان نظری - که بسیار انتزاعی بوده است و ادعای جهان‌شمولی دارد - شروع و به سوی جزئیات تاریخی حرکت کند که ممکن است به صورت دل‌خواهی گزینش شده‌اند و یا به صورت تصنعی از بافت جدا شده‌اند؛ اما تحقیقات مبتنی بر راهبرد دوم پژوهش‌های جامعه‌شناسی تاریخی، خود به دو گروه تقسیم می‌شوند: ۱. مطالعات موردی، همچون کار ای. پی. تامپسون^{۱۵} (۱۹۶۶) در اثرش *تشکیل طبقه کارگر انگلیس*^{۱۶} که در آن تعیین تفرّد پدیده‌ها با تمرکز بر یک مورد خاص تاریخی صورت می‌گیرد و ۲. مطالعات تطبیقی، همچون کار رینهارد بندیکس^{۱۷} (۱۹۸۰) در *پادشاهان یا مردم*^{۱۸} که در آن برای تعیین تفرّد پدیده‌های تاریخی از روش مقایسه مورد‌ها استفاده می‌شود.

پرسش اصلی تحقیق

پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: آیا نظام مالیه عمومی مبتنی بر تعهد جمعی مانع اصلی شکل‌گیری اقتصاد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجار بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش سعی شده است تا با استفاده از راهبرد تفسیری داده‌ها و اطلاعات کمی و کیفی منظم در منابع اولیه و ثانویه و پژوهش‌های مربوط به دوره بررسی، تجزیه و تحلیل شود.

مالیات کشاورزی و تعهد جمعی روستا

در ایران دوره قاجار، مالیات به دو بخش مالیات ثابت (اصل) و متغیر (فرع) تقسیم می‌شد. مالیات ثابت خود بر دو گونه بود: مالیات مستقیم (مستمر) و مالیات غیرمستقیم (غیرمستمر) که در این میان مالیات زمین، مالیات سربازی (بُنیچه سربازی) و مالیات صنفی، عمده‌ترین مالیات‌های مستقیم بودند؛ اما مالیات غیرمستقیم انواع مختلف داشت که عوارض گمرکی از مهم‌ترین آن‌ها بود (فلور، ۱۳۹۴: ۴۱۹، ۶۵۶). مالیات‌های مستقیم در ایران قاجاری بر مبنای تقسیم‌بندی جغرافیایی - اجتماعی روستا، شهر و ایل قرار داشت. عمده‌ترین مالیات روستایی، مالیات کشاورزی یا به عبارتی عام‌تر مالیات ارضی بود. بنابراین، اساس مالیات‌های مستقیم روستایی

تحلیل جامعه‌شناختی موانع رشد اقتصاد سرمایه‌داری... _____ فریدین قریشی و همکاران

در ایران ارضی بود که مقدار آن تا دوره فتحعلی‌شاه عمدتاً ده درصد بود؛ ولی در زمان او به ۲۰ درصد افزایش یافت که در عمل تا ۳۵ درصد نیز می‌رسید (جمال‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

در دوره ذکرشده، علاوه بر مالیات زمین‌های زراعی:

از باغ‌هایی که در داخل یا نزدیک ده بود، پنج‌یک محصول را به‌عنوان مالیات جنسی می‌گرفتند؛ اما مالیات بستان‌های خربزه و زمین‌هایی که تنباکو و پنبه عمل می‌آورد و مالیات زمین‌های دیگری از این قبیل نقدی بود و مالیات را بر اساس ارزیابی محصول تعیین می‌کردند. مالیات نخل‌های دالکی به این طرز تعیین می‌شد: محصول هر نخلی را که کاملاً به ثمر رسیده بود یک من هاشمی (در حدود ۱۱۶ پاوند یا ۱۶ من تبریز یا هر من ۷/۲۵ پاوند) حساب می‌کردند که برای صاحبش ۲ تا ۲/۵ روپیه ارزش داشت و مالیاتی که بابت درخت می‌گرفتند عبارت بود از یک «محمودی» یا ۸ «پول سیاه» که هشت‌یک این مبلغ را مستوفی ده بقیه را حاکم محل به حساب شاه می‌گرفت (لمبتون، ۱۳۹۳: ۲۷۸).

باید توجه داشت که رویه‌های مالیاتی کشاورزی در ایالات و ولایات مختلف، متفاوت بوده است و بیشتر تابع عرف محل بود (جمال‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۱؛ ملکم، ۱۳۸۰: ۲/۷۳۵).

در نظام اداری - مالی قاجاریه، روستا به‌منزله یک کل دارای مسئولیت و تعهد جمعی در قبال کل بُنیچه مالیاتی روستا، از جمله بنیچه سرباز، بود (فلور، ۱۳۹۴: ۴۱۹، ۶۵۶؛ لمبتون، ۱۳۹۳: ۳۱-۴۲). بنیچه یک روش خاص مالیات‌بندی و جمع‌آوری آن است.

تفاوت کمی میان انواع مالکیت‌های زمین و مالیات آن بود و تفاوت کم‌تری نیز نسبت به رعایای روستاها داشت، چه برای ارباب ملکدار و یا متولی موقوفه و یا یک نفر سیورغالداری و یا تیول‌دار کار می‌کرد و زحمت می‌کشید، برای او هیچ توفیر نداشت؛ چرا که سلطه قانونی همه نوع ارباب برای روستایی چشم‌گیر و یکسان بود. روستاییان کاملاً زیر نظر اربابان خود بودند و عملاً به خاک بسته شده بودند و پیش از آنکه مالیات خود را پرداخته باشند، حق ترک روستا را نداشتند. گاهی روستاییان دست به فرار می‌زدند، مالکان می‌توانستند با رجوع به مقام‌های حکومتی خواستار برگرداندن آن‌ها شوند (فلور، ۱۳۹۴: ۶۵۶-۶۵۷).

پطروشفسکی (۱۳۴۴) نیز بر وابستگی دهقانان به زمین در ادوار مختلف تاریخ ایران تأکید می‌کند (همان، ۱۸۶/۲ - ۱۹۰). بر این اساس، وابستگی دهقانان به زمین و روستا، به‌صورتی که دمین (۱۳۶۲) آن را نتیجه نظام رایج نسق‌بندی در آن دوره می‌داند (همان، ۳۴۰)، روی دیگر سکه روستا به‌منزله یک کل است و نقش مکمل را در تعهد جمعی روستا بازی می‌کند. درمورد بُنیچه سربازی (مالیات سربازی یا سهمیه سربازگیری هر روستا) نیز روستا ضامن و متعهد سهمیه سربازی خود در قشون بود.

این روش در سراسر ایران معمول بود. هر چند که گزارش‌های آن تنها از آذربایجان، کاشان، کرمان و بلوچستان در دست است. [در] خان‌نشین ایروان «آذربایجان» همه مالیات‌های مستقیم نقداً در یک رقم کلی به نام بنیچه قرار داشت. مردم نواحی شهری، روستایی و یا ایلیاتی بنا بر قاعده معمول بنیچه و نیز هر ناحیه خاص گروه خود برآورد می‌شدند. پرداخت بنیچه غیرنقدی (مثلاً محصول یا خدمت سربازی) و نیز نقدی صورت می‌گرفت. بنابراین، با توجه به ثبت‌های قبلی تعداد بنیچه‌ها به جای تعداد اهالی ثبت می‌گردید. در کاشان بنیچه‌ها بر اساس مساحت زمین‌های زیر کشت و مقدار آب تخصیص می‌یافت که به هر روستا (آب و خاک) تعلق می‌گرفت و می‌بایست توسط همه روستاییان اعم از ساکن یا غیرساکن در آن پرداخت می‌گردید (فلور، ۱۳۹۴: ۴۳۲ - ۴۳۳).

با توجه به اینکه در بنیچه سربازی نیز هر روستا متعهد سهمیه سربازی خود بود و مسئول عواقب فرار سربازان از خدمت نظام.

وقتی تازه سربازان روستای خود را ترک کرده و به هنگ می‌پیوستند، ارباب روستا یا صاحب بنیچه و یا خرده مالکان و مردم محلی می‌بایست به سربازان پیاده و یا توپخانه و یا به خانواده آن‌ها بخشش‌های انعام گونه‌ای برای نگه‌داشت معیشتی آن‌ها می‌پرداختند. این بخشش‌ها و انعام‌ها به نام خرج و یا پادارانه گفته می‌شد. مبلغ از ۵ تا ۴۰ تومان به تفاوت نقدی یا کالایی داده می‌شد. این پرداخت‌ها در ارزیابی درآمد ثبت نمی‌گردید. حال آنکه خانواری همه ساله قابل پرداخت بود. پادارانه تنها برای یکبار و فقط در برخی ایالت‌ها قابل پرداخت بود. اگرچه برخی گزارش‌ها حاکی است که کمک خرج و پادارانه به سربازان منظم‌اً پرداخت می‌گردید تا انگیزه‌ای برای جلوگیری از ترک خدمت سرباز گردد؛ زیرا روستای سرباز به هر حال مسئول عواقب مالی فرار او بود. ریشه‌یابی این پرداخت احتمالاً در واقعیتی نهفته بود که هر سرباز می‌بایست پادار بماند و دست به فرار نزند. در صورتی که سربازی پادار باقی نماند، دیگر پادارها می‌بایست به او امکانات پادار ماندن را بدهند تا بتواند استقامت پادار ماندن را پیدا کند و احتمالاً مشمول پادارانه شود. از آن رو، که پادارانه نامنظم داده می‌شد و یا اینکه تنها برای یک دفعه بود، حکومت به سربازان حقوق و جیره شش‌ماهه تعلیمات نظامی در سال را می‌پرداخت و سپس در شش‌ماهه دیگر سال که از تعلیمات نظامی خبری نبود نصف شده و جداگانه در ردیف‌های بودجه (دستورالعمل) هر ایالت زیر سرفصل شش‌ماهه محلی (غیرعملیاتی) ذخیره گرفته می‌شد. این ذخیره از ذخیره شش‌ماهه اول جدا بود و با نام ذخیره شش‌ماهه ثانی یا دوم می‌آمد که هر دو با هم ترکیب [و] پرداخت سالیانه را تشکیل می‌دادند (همان، ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰).

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، جنبه دیگر سازمان مالیه عمومی مبتنی بر تعهد جمعی همانا غیرنقدی بودن آن است. بر اساس منابع مربوط به دوره قاجار مالیات کشاورزی که عمده‌ترین

تحلیل جامعه‌شناختی موانع رشد اقتصاد سرمایه‌داری... _____ فردین قریشی و همکاران

مالیات دوره قاجار بود، بیشتر به صورت نقد و غیرنقد (کالایی و بیگاری) یا هر دو گرفته می‌شد (شوستر، ۱۲۹۴؛ ملک، ۱۳۸۰؛ لمبتون، ۱۳۹۳). در این باره مستوفی (۱۳۸۸: ج ۲) می‌نویسد: مالیات را نقدی و جنسی تعیین می‌کردند؛ زیرا نمی‌خواستند رعیت را در نقد کردن جنس برای ادای مالیات به زحمت بیندازند، گذشته از این، اگر در تسعیر هم ترقی و تنزلی پیدا می‌شد، استفاده یک طرف بر ضرر طرف دیگر به میان نمی‌آمد. در ولایاتی که مثل یزد و کاشان، اهالی خودشان به غله حاجت داشتند، مالیات را نقدی و در تسعیر هم اسفل‌القیم را در نظر می‌گرفتند که رعیت از عهده ادای آن برآید (نیز بنگرید: همان، ۴۶۹؛ نیز ر.ک: اسناد شماره ۴۱۳۴، ۴۱۶۲، ۴۱۶۳، ۴۱۶۴ در مجموعه اسناد قاجاری شهرداری اصفهان، جلد ۹).

اگرچه انتخاب نقدی بودن یا کالایی بودن مالیات حق حکومت مرکزی بود؛ ولی اصولاً هنگام قحطی و خشکسالی که غله گران بود، حکومت ترجیح می‌داد که مالیات را به صورت کالایی بگیرد و هنگام ارزان بودن غله ترجیح دریافت مالیات نقدی بود (فلور، ۱۳۹۴: ۴۲۸). هر چند که ترجیحات رعایا در این مورد در مقابل حکومت قرار داشت، بدین معنی که وقتی غله گران بود، مردم ترجیح می‌دادند مالیات مقرر را نقدی بپردازند و بر عکس که این وضعیت سبب وقوع تنش‌هایی میان حکومت و رعایا می‌شد. اساساً سه دلیل اصلی برای گرایش حکومت مرکزی برای دریافت مالیات به صورت جنسی می‌توان برشمرد:

۱. کمبود پول نقد در اقتصاد؛

۲. غلبه اقتصاد معیشتی؛

۳. احتمال وقوع خشک‌سالی‌ها و قحطی‌های متناوب و نیاز حکومت مرکزی برای دسترسی به محصولات استراتژیکی چون گندم برای تنظیم بازار.

بخشی دیگر از مالیات غیرنقدی به صورت بیگاری اخذ می‌شد که به نظر می‌رسد سابقه وصول قسمتی از مالیات روستا به صورت بیگاری (خدمتانه) به دوران تسلط ایلخانان مغول و حتی پیش از آن می‌رسد. از دید پطروشفسکی (۱۳۴۴: جلد ۲) اگرچه در قرون ۱۳ و ۱۴ میلادی مالیات و بهره مالکانه جنسی شکل غالب را داشته است؛ ولی در عین حال مالیات و بهره نقدی و بیگاری نیز در درجه دوم اهمیت قرار داشت (همان، ۲۰۳ - ۲۰۴). از دید او به طور کلی اصطلاح بیگار «از زمان ساسانیان متداول است؛ زیرا در ارمنستان شرقی (ارمنستان ایران) به کار می‌رفته و در تصمیمات کلیسای دوبن مورخ به سال ۶۴۱ میلادی. به صورت «بکار» استعمال شده است. اشتقاق این اصطلاح روشن نیست. اصطلاحی است پهلوی که شاید از کلمه یونانی «آنگاریه - آغاریه» که به معنی کار اجباری است مأخوذ باشد. در ایران عهد

قرون وسطی معنی این کلمه همیشه همانا کار اجباری رعایا به نفع دولت و یا فئودال و مالک خویش بوده - در امور آبیاری (حفر نهرها و کاریزها و تنقیه مرتب آن) و ساختمانی (ساختن حصار قلعه‌ها و کاخ‌ها و عمارات دولتی، بریدن و پاک کردن جنگل برای زراعت در نواحی کرانه بحر خزر) و غیره. این امور را به نحو ویژه‌ای در میان روستاییان سرشکن و تقسیم می‌کردند و علی‌الرسم از هر جفت یک نفر و گاهی هم ۲ - ۳ نفر می‌باید شرکت جویند. این عمل نوعی از «پرداخت بهره به وسیله کار» بوده که به صورت فرعی در کنار شیوه «پرداخت بهره به وسیله محصول» وجود داشته است. معهذاً «کار برای ارباب» را - که در روسیه و اروپای غربی متداول بوده - نمی‌توان به بیگار [(بیگار)] و بالعکس تعبیر کرد؛ زیرا حتی زمین بایر و کلاکی که با کار اجباری روستاییان دایر و قابل کشت شده بوده پس از این عمل (از طرف فئودال‌ها) به روستاییان مزارعه کار (برزگران) سپرده می‌شده [است] (همان، ۲۹۰ - ۲۹۱).
از دید لمبتون (۱۳۹۳) بیگاری تا دوران معاصر «یکی از خصایص دائمی زندگی مردم محلی [ایران] بوده است» (همان، ۲۰۲؛ مینورسکی، ۱۳۳۴: ۳۵).

به موجب قانون ۱۳۰۷ شمسی / ۱۸۸۹ میلادی قرار شد که از مردم برای راه‌سازی بیگاری بگیرند. هر فرد ذکور از ۱۶ تا پنجاه سالگی موظف شد که سالی چند روز در راه‌ها بیگاری کند و کسانی که قادر به بیگاری نبودند می‌بایست به پرداخت مبلغی مصالحه کنند تا به جای آنان کسان دیگری اجیر شوند. طبقات روحانی متعلق به هر مذهب و معلمان مدارس و سربازان زیر پرچم و پاسبانان از این کار معاف بودند. قرار شد هر پنج سال یک‌بار حیوانات بارکش هر ولایت را به مدت بیست الی سی روز برای حمل و نقل مواد و مصالح راه‌سازی از صاحبان‌شان بگیرند. برای تساوی مقدار کار کسانی که بیگاری می‌کردند مقرراتی بر اساس مسافتی که هر کس تا محل راه‌سازی می‌پیمود، وضع شد چنان که بیست و پنج تن از دهی که متصل به محل کار بود، می‌بایست سالی پنج روز کار کنند و حال آنکه همین عده اگر از دهی آمده بودند که تا محل کار ۴ فرسخ (تقریباً ۱۴ میل) مسافت داشت فقط موظف به چهار روز بیگاری می‌شدند. [بر این اساس] جواز مسافرت تنها به کسانی داده می‌شد که خدمات راه‌سازی را انجام داده بودند (لمبتون، ۱۳۹۳: ۳۱۶).

در اینجا نکته مهم برای مسئله مورد بررسی این است که با توجه به اینکه بیگاری جزو مالیات مقرر یک روستا محسوب می‌شد، بنابراین، در این مورد نیز روستا متعهد انجام کل آن بود. بدین صورت که روستا همچون یک شخصیت حقوقی محسوب می‌شد که دارای تعهداتی بود که سر جمع تعهدات افراد عضو آن بود.

مالیات صنفی و تعهد جمعی صنف

اصناف در تاریخ ایران از عمده‌ترین و منظم‌ترین تقسیم‌بندی‌های اجتماعی حیات شهری بوده‌اند. هر چند که در زمینه وجود تقسیم‌بندی‌های صنفی از زمان ساسانیان داده‌هایی در دسترس است؛ ولی قابل اعتمادترین آن‌ها مربوط به دوران صفویه می‌شود.

هر تجارت یا پیشه یک اتحادیه صنفی را تشکیل می‌داد که ریاست آن را رئیس منتخب دست‌کم دوسوم (چهار دانگ) استادکاران اتحادیه به‌عهده می‌گرفت. رئیس اتحادیه صنفی (کدخدا) که دکان نداشت؛ اما از اتحادیه صنفی حقوق دریافت می‌کرد. اگرچه ایده‌آل این بود که یکی از مسن‌ترین و مجرب‌ترین استادکاران صنف برای این کار انتخاب شود؛ اما این کار در عمل اغلب به‌صورت موروثی بود. رئیس در کار خود توسط شهردار شهر (کلانتر) که حکم (تعلیقه) می‌نوشت و به او ردای افتخار می‌داد، تأیید می‌شد. کلانتر نیز سند انتخاب کدخدا را بعد از مهر و موم آن توسط دستیارش، یعنی نقیب، قانونی می‌کرد. رؤسای اتحادیه‌های صنفی قدرتمند بودند و در زمینه اختلافات داخلی و شکایات مشتریان اختیارات قضایی داشتند. رؤسای اتحادیه‌های صنفی که مشمول بیگاری بودند، بسیار قدرتمند بودند؛ زیرا تصمیم می‌گرفتند چه کسی و تا چه اندازه باید در بیگاری شرکت کند. مخالفت با رئیس و شورای او (ریش‌سفیدها یا سرجوقه‌ها) درباره بیگاری ممکن بود با بیگاری نابودکننده (ساقط‌کننده) مجازات شود. یک شخص واجد شرایط که تمایل به راه‌اندازی دکان شخصی داشت، خود را به رئیس اتحادیه معرفی می‌کرد و با گرفتن نام و نشانی خود ثبت‌نام می‌کرد. اگر هیچ مخالفتی علیه نامزد وجود نداشت، اجازه داشت دکان را بعد از پرداخت مبلغی اندک افتتاح کند. به‌نظر می‌رسد تنها محدودیت، رضایت رؤسا بود و حفظ یک فاصله معین بین دکان خود و دیگر اتحادیه‌های صنفی خارج از منطقه (محصولی) که منحصرأ در تصرف اتحادیه صنفی بود (فلور، ۱۳۹۲: ۴۰ - ۴۱).

کنت دوگوبینو (۱۳۸۳) معتقد است که اصناف در ایران «به دولت مالیات نمی‌پردازند و تنها مالیاتی که از صنعتگران اخذ می‌شود، خودشان به‌نفع جیبشان دریافت می‌دارند؛ یعنی در واقع، مبلغی بابت هزینه‌های مشترک بازار می‌پردازند که بسیار ناچیز است» (همان، ۲۷۹)؛ اما خلاف این نظر اتحادیه‌های صنفی موظف به پرداخت مالیات یا انجام بیگاری و یا هر دو بودند به‌طوری که عبدالرحیم کلانتر ضرابی (۱۳۷۸: ۴۱۶) در کتاب خود، مالیات صنفی کاشان را که خود از مراکز مهم صنعتگران و اصناف در ایران قاجاری بود، مبلغ ۸۱۴۲۳/۴۲۵ قران ذکر می‌کند و اینکه اصولاً پرداخت مالیات صنفی یا اصنافیه از عوامل اصلی تشخیص اصناف در جامعه ایران بود (فلور، ۱۳۹۲: ۴۸۲). اگرچه نظر دوگوبینو از لحاظ رواج معافیت‌های

مالیاتی اصنافی که عمدتاً با ارزاق عمومی سروکار داشتند می‌تواند صحیح به نظر برسد (کلانتر ضرابی، ۱۳۷۸: ۴۱۶؛ روستایی، ۱۳۸۷). در هر صورت روند کلی تعیین و وصول مالیات صنفی چنین بود.

در سه‌ماهه اول هر سال کلانتر یا محصل منصوب‌شده وی رؤسای اتحادیه صنفی را به خانه نقیب فرا می‌خواند. آن‌ها در این مکان در مورد بنیچه یا سهمیه پرداختی هر اتحادیه صنفی بحث می‌کردند. وقتی سهمیه تعیین می‌شد و مورد قبول تمام طرفین مربوطه قرار می‌گرفت، کدخدا و سپس نقیب سند مالیات (طومار) را مهر می‌کردند. نقیب سند مالیات را برای کلانتر ارسال می‌کرد که وظیفه‌اش جمع‌آوری مالیات‌های صنفی بود. کلانتر مالیات تعیین‌شده اتحادیه‌های صنفی را که شامل کل درآمدهای جمع‌آوری شده هر سال بود، به اداره مالی حکومتی ارسال می‌کرد. اگرچه درآمد سالانه به‌عنوان مبنای ارزیابی در نظر گرفته می‌شد، [اما] فرصت کافی برای جانب‌داری، به‌ویژه در مورد اتحادیه‌های مشمول بیگاری وجود داشت. برخی اتحادیه‌های صنفی مانند کفاشان و چرم‌سازان که معاف از بیگاری بودند، به‌جای آن باید مالیاتی معروف به خرج پادشاه می‌پرداختند. به‌نظر می‌رسد اتحادیه‌های صنفی مشمول بیگاری در مقایسه با دیگران متحمل مالیات سنگین‌تری بوده‌اند. اگر پادشاه کاری داشت که انجام آن فراتر از ظرفیت کارگاه‌های او بود، به ناظر بیوتات خود دستور می‌داد تا رسیدگی کند که آیا اتحادیه‌های مربوطه کار یا مواد ضروری را تحویل می‌دهند. بیگاری به‌ویژه برای بنایان کار طاقت‌فرسایی بود؛ اما این امکان وجود داشت که با پرداخت جایگزین از انجام آن اجتناب کنند (فلور، ۱۳۹۲: ۴۱ - ۴۲).

مالیات هر صنف پس از تعیین، از سوی کدخدای آن صنف میان اعضای آن معمولاً به‌طور مساوی و تنها با در نظر گرفتن محل کسب و کار آن‌ها تقسیم می‌شد و از این پس، هر یک از اعضا باید سهم خود را می‌پرداختند (همان، ۴۸۴).

در ایران اصناف تحت نظارت مستقیم حکومت قرار داشتند.

کلانتر، انتخاب رؤسای آنان را مورد تأیید قانونی قرار می‌داد. نقیب، میزان مالیات صنف را به‌عنوان یک گروه تعیین می‌کرد و محتسب نیز بر کم‌وکیف تولیدات و خدمات آنان نظارت داشت و متخلفین را تنبیه می‌کرد (رضایی، بی‌تا: ۶۴).

آنچه از دید مسئله حاضر اهمیت ویژه‌ای دارد این است که در اینجا نیز همچون روستا، هر صنف به‌منزله یک کل در قبال پرداخت مالیات مقرر دارای تعهد جمعی بود. در این ارتباط شوبرگ (۱۹۶۵) معتقد است که تشکل پیشه‌وران و اصحاب حرف یا کسبه در گروه‌های جداگانه نتیجه طبیعی ساختار و نیازهای جوامع ماقبل صنعتی است. در این جوامع دولت بیش از هر چیز به جمع‌آوری مالیات، ارائه خدمات عمومی و حفظ نظم و قانون علاقه‌مند است.

تحلیل جامعه‌شناختی موانع رشد اقتصاد سرمایه‌داری... _____ فریدین قریشی و همکاران

برای جمع‌آوری مالیات، حکومت در این جوامع باید زندگی اقتصادی را به‌گونه‌ای سامان دهد که با گروه‌های صاحب شغل و کار مشترک به‌منزله یک گروه سروکار داشته باشد (به‌نقل از: رضایی، بی‌تا: ۶۲).

وضعیت اتحادیه‌های صنفی از ابتدا تا اواخر دوره قاجار تقریباً بدون تغییر باقی ماند؛ ولی با انقلاب مشروطه بر اهمیت آن‌ها به‌منزله منسجم‌ترین گروه اجتماعی افزوده شد تا جایی که آن‌ها به‌منزله یکی از گروه‌های اجتماعی مجاز برای اعزام نماینده به مجلس اول مشروطه شدند و بر طبق اولین قانون انتخابات دارای ۳۲ نماینده - ۲۲ درصد - مجلس بودند (فلور، ۱۳۹۲: ۵۲؛ مستوفی، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۶۷)؛ اما در قانون جدید انتخابات سال ۱۹۰۹ اصناف از قدرت سیاسی محروم شدند و با فرا رسیدن دوره سلطنت پهلوی اول:

در سال ۱۹۲۶ مجلس مالیات‌های ۲۳۰ اتحادیه صنفی را لغو کرد و دیگر با آن‌ها در مسائل مالی، مانند شرکت‌های سهامی رفتار نمی‌شد. یک قانون جدید مالیات بر درآمد با چهار جدول زمانی متفاوت جایگزین نظام قدیمی اخذ بنیچه شد (همان، ۵۳).

با آغاز دوران جدید در تاریخ ایران اصناف از اهمیت مالی و اداری سابق محروم شده و مالیات اعضای آن‌ها به‌صورت جداگانه محاسبه و اخذ می‌شد و دیگر صنف تعهد جمعی پرداخت مالیات مقرر را نداشت.

مالیات ایلی و تعهد جمعی ایلی

ایلات در تاریخ ایران نقش محوری داشتند تا جایی که گروه‌های سیاسی مهم دارای ریشه‌های ایلی یا نیمه‌ایلی بودند

ایلات ایران در قرن‌های هجدهم و نوزدهم احتمالاً جمعیتی بین یک‌ونیم تا سه‌میلیون نفر را شامل می‌شدند؛ یعنی حدود یک‌چهارم تا نصف کل جمعیت ایران. آن‌ها بیشتر در نواحی مرزی و یا نواحی که چراگاه‌هایش بهتر از مناطق کشت و زرع‌اش بود، مستقر می‌شدند (تاپر، ۱۳۹۱: ۳۰۸).

طبق برآورد تامسون (۱۳۶۲) جمعیت ایلی ایران در سال ۱۸۶۷م در حدود ۱۷۰۰۰۰۰ نفر از تعداد ۴۴۰۰۰۰۰ نفر کل جمعیت آن ذکر شده است (همان، ۴۱). بنابراین، با توجه به سهم مهم جمعیتی که ایلات به‌خود اختصاص داده بودند، علاوه بر نقش سیاسی و بارز در تاریخ اجتماعی ایران، جایگاه اقتصادی ویژه‌ای نیز برای آن‌ها می‌توان در نظر گرفت.

بر اساس منابع موجود، ایلات ایران به‌جای مالیات ارضی برای حکومت مرکزی خدمات نظامی انجام می‌دادند و مبنای عمده مالیات آن‌ها بر اغنام و احشام بسته می‌شد (جمال‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۱). از این رو،

مالیات بر ایل‌ها شبیه مالیات بر دام بود؛ اما به‌سبب نداشتن خانه‌همیشگی آنان، این مالیات وضع خاص خود را داشت. در ابتدا این مالیات با نرخ ویژه هر سر دام یا هر چادر تعیین می‌گردید؛ اما همچون مالیات دام، این مالیات نیز به مبلغ پرداختی ثابتی مانند دیگر مالیات‌های نقدی بدل گردید. مالیات ایل‌ها به‌نام‌های گوناگونی می‌آمد، از جمله مالیات شاخی برای ایل بختیاری که مردم ایل مالیات خود را به کدخداهای ایل می‌پرداختند و آنچه وصول کرده بودند به رئیس ایل یا ایل‌خان و ایل‌بیگ و کلانتر می‌دادند و همه را به حکومت می‌پرداخت. برای مثال، ایل بختیاری از این قرار مالیات می‌پرداختند: مادیان هر سر در سال ۱۵ قران؛ گوسفند هر سر در سال ۲۰ قران؛ الاغ و گاو هر سر در سال ۲۰ قران.

جدای از مالیات شاخی، بختیاری‌ها باز هم مالیاتی به‌نام در قشلاق برای هر سرگوسفند یا بز ۵ قران می‌پرداختند، این مالیات با این همه مرتب وصول نمی‌شد. دو ایل در نزدیکی شهر قم؛ زندها و لاشینی‌ها نیز مالیات ایل می‌پرداختند که ظاهراً به سه‌گونه زیرمجموعه بود: صد و سه یا ۳ درصد و خرج سرباز و حق‌المرتع. ایل لاشین در ۱۳۰۰ق/ ۱۸۸۰م تنها از زنان تشکیل می‌شد که بار مالیات اصلی را به‌طور کامل می‌پرداختند. ایل شاهسون عوارضی می‌پرداخت، موسوم به چوپان‌باشی که آن را به خان‌های تالش برای حق چرای گله‌های خود در دشت مغان می‌پرداختند. پس از آنکه روسیه این نواحی را ضمیمه خود کرد، حکومت وقت ایران آن را به روسیه می‌پرداخت. مالیات ایل‌ها نه تنها نقدی بود؛ بلکه کالایی هم پرداخت می‌شد. حکومت که نیاز به حمل‌ونقل محصولات زمین‌های شاهی و حاصل کالایی آن‌ها از روستاها به مراکز بزرگ برای توزیع آن‌ها داشت از چارپایان حمل ایل‌ها برای این منظور می‌باید از سوی آن‌ها فراهم می‌شد که برخی از ایل‌ها (نه همه آن‌ها) از جمله ایل اسانلو (اصانلو) یا ایل الکایی که هر دو در نزدیکی تهران می‌زیستند این چارپایان را به‌منزله مالیات و به‌نام بارکرده می‌پرداختند.

نوع دیگر مالیات غیرنقدی که ایل‌ها فراهم می‌کردند، بسیج سرباز برای قشون بود که رئیس‌ان ایل‌ها در اختیار حکومت می‌گذارند و این نوع مالیات بیشتر [علاوه بر] مالیات بر دام‌ها پرداخت می‌شد. حدود ۱۱۹۰ش/ ۱۸۱۰م بنا بر نظر موریه: «همه»

تحلیل جامعه‌شناختی موانع رشد اقتصاد سرمایه‌داری... ————— فردین قریشی و همکاران

ایل‌ها هنگامی که شاه می‌خواست به جز ایل عرب و ایل فیلی می‌بایست این باج را می‌دادند. نام هر یک از این سربازان و نام پدران آن‌ها و دیگر ویژگی‌های خانوادگی آن‌ها در دفتری به نام دفترخانه ثبت و نزد حکومت نگه‌داری می‌شد. سران ایل که در سلام عید نوروز به حضور شاه بار می‌یافتند که به هر حال به آن‌ها مقرری خاصی تعلق می‌گرفت.

موریه افزوده است که «از باستان در ایران چنان بوده که در حال اضطرار از هر آسیایی که با آب می‌چرخید یک نفر نیروی رزمی با اسب و تجهیزات برای قشون فراهم می‌گردید». در سال‌های ۱۲۳۰ش / ۱۸۵۰م مثلاً والی سندج که بسیار کم به حکومت مالیات می‌پرداخت (فقط ۷ هزار تومان)؛ زیرا خود او برای نگه‌داری سرباز و همچنین مستمری‌بگیرانی که داشت به درآمد ایالت نیاز مبرم داشت. ترکمان‌ها به کارگزاران ویژه‌ای موسوم به سرکاردار که از سوی حکومت منصوب می‌شدند و مسئول وصول مالیات و نیز بسیج نیروی سواره‌نظام از بخش‌های گوناگون ایل‌ها بودند تا هر وقت لازم می‌شد، فراخوانده می‌شدند، مالیات می‌دادند. برخی از گروه‌های ایلی برای بسیج سرباز تعهدات پرداخت‌های نقدی داشتند، چنان که طایفه زندها در نزدیکی شهر قم مالیاتی بالغ بر ۷۰۰ تومان به نام خرج سرباز می‌پرداختند که بعدها این مبلغ تا ۱۲۰۰ تومان افزایش یافت و پس از ارزیابی‌های مالیاتی حدود سال ۱۲۵۰ش / ۱۸۷۰م به ۱۱۲۰ تومان کاهش داده شد. گروه‌های ایلی دیگر نیز بودند که از پرداخت مالیات یا اعزام سرباز معاف بودند، همچون قره‌پاپاک‌های سلدوز. طایفه مگری نیز تعهد پرداخت مالیاتی کمی داشت. طایفه گایینی نزدیک شهر قم از پرداخت حق‌المرتع و صدوسه (۳ درصد) معاف بود. در کردستان طایفه‌ای به نام مافی یا معافی بود که از مالیات معاف بود.

به سبب کوچ‌روی در زندگی ایل‌ها، بیشتر مالیات خود را در بیش از یک‌جا می‌پرداختند. بختیاری‌ها مثلاً مالیات خود را بعضاً به حکم‌ران خوزستان می‌پرداختند. طایفه اینانلو در نزدیکی شهر فسا، مالیات خاکی خود را جزء بار مالیاتی فسا و مالیات بادی را جزء بار مالیاتی خمسه می‌پرداختند. این ایل‌ها خوب می‌دانستند که زندگی کوچ‌رو آن‌ها فرصت تأخیر پرداخت به آن‌ها می‌داد؛ اما نه بالکل اجتناب از آن را (فلور، ۱۳۹۴: ۴۶۱ - ۴۶۴).

حکومت مرکزی عموماً در وصول و ایصال مالیات ایلات با سران آن‌ها طرف حساب بود و آن‌ها متعهد به پرداخت مالیات اعضای ایل در کل بودند (لمبتون، ۱۳۹۳: ۲۷۱). در این مورد نیز همچون مالیات زراعی و اصفافیه وصول مالیات از طریق تعهد جمعی صورت می‌گیرد؛ اما روی دیگر این تعهد جمعی پرداخت مالیات ایل، جنسی بودن قسمت عمده آن است به طوری که طبق گفته ژوبر (۱۸۰۵) «رؤسای ایلات بابت مالیات غالباً اسب و دیگر چهارپایان و فرش و سایر اجناس می‌دهند» (به نقل از: لمبتون، ۱۳۹۳: ۲۷۱).

نتیجه

از دید وبر سنت‌گرایی و خودکامگی دو وجه نظام پاتریمونیالی است. بدین صورت که: روش مکلف ساختن افراد به تقبل مسئولیت جمعی برای انجام دادن وظایف عمومی، واکنشی به مشکلات اداری [و] نظامی است که دارای تشکیلات سرکوب به اندازه کافی گسترده‌ای نیست تا اتباع سیاسی را به انجام مسئولیت و تعهد شخصی وادار نماید و در- عوض، قدرت اجرایی را به انجمن‌های اجباری مبتنی بر تعهد جمعی تفویض می‌کند. این قبیل انجمن‌ها بخشی از آمیزه سنت‌گرایی و خودکامگی خاص نظام‌های [پاتریمونیال] اند. میزان تفوق این یا آن گرایش در [پاتریمونیالیسم]، منوط به قدرت نظامی و دستگاه اداری است که در اختیار فرمان‌روا قرار دارد (بندیکس، ۱۳۸۲: ۳۶۸).

همان‌طور که ولی (۱۳۸۰) در نقد ایده مالکیت مطلق سلطان و تصور ضل الهی از آن بر لزوم اتکا سلاطین دوره اسلامی بر نیروهای محلی تأکید دارد (همان، ۲۳۴ - ۲۴۷)، در ایران قاجاری نیز از دوره فتحعلی‌شاه به بعد با تثبیت هر چه بیشتر پاتریمونیالیسم که مقارن با غلبه نیازهای اداری و مالی بر نیازهای نظامی و بنابراین، غلبه ساختار پاتریمونیالی بر ساختار ایلی است، این نظام برای اداره قلمرو وسیع با توجه به ناتوانی نیروهای ایلی ناگزیر از اتکا به نیروهای اداری پیشین، انجمن‌ها و سرشناسان محلی می‌بود که این امر در شهرها به منزله محل استقرار حکومت‌ها در اتکا بر اشخاص معتبر از جمله کدخدایان و ریش‌سفیدان صنوف. در روستاها کدخدایان و مباشران و در ایلات ایل‌خانان و ایل‌بیگی‌های نمود پیدا کرد. بدین ترتیب خلاف نظر غالب نظام قاجار بیشتر بر وجه سنتی و استفاده از مسئولیت جمعی تقسیم‌بندی-های پابرجای اجتماعی گرایش داشت.

از این رو، در ایران قاجاری نیز روستا، صنف و ایل تقسیم‌بندی‌های اجتماعی مناسب و پابرجایی برای جمع‌آوری حمایت‌های مالی از نظام سیاسی موجود بود. در سراسر تاریخ ایران

تحلیل جامعه‌شناختی موانع رشد اقتصاد سرمایه‌داری... _____ فردین قریشی و همکاران

روستا یکی از واحدهای اساسی اجتماعی به‌شمار می‌رفت (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۳۸). در این ارتباط لمبتون (۱۳۹۳) معتقد است که:

در قرون اولیه اسلامی میل غالب بر این بود که با دهکده به‌عنوان یک واحد تشکیلاتی واجد شخصیت حقوقی معامله کنند و این تمایل تا قرن بیستم میلادی دوام یافته است؛ اما هر چند از یک سو دستگاه مالی مملکت مایل به بقای تشکیلات ساده ابتدایی اشتراکی بود. با این همه از سوی دیگر خود این دستگاه تغییراتی در ترکیب جامعه روستایی پدید آورد (همان، ۳۵).

خلاف تصور اولیه، در دوره قاجاریه استفاده از سازمان مالی عمومی مبتنی بر تعهد جمعی از یک سو تأثیری عقلانی بر نظام مالی قاجاریه داشت، به طوری که آن امکان بودجه‌بندی ابتدایی و درواقع، پیش‌بینی مخارج و درآمدها در این نظام را به وجود آورد که به روشنی در وجود کتابچه‌های دستورالعمل مالیاتی مشهود است. این کتابچه‌ها که هر ساله برای ولایات تنظیم و فرستاده می‌شد،

حاوی جمع و خرج دوره عمل یک‌ساله آن ولایت به‌شمار می‌آمد. جمع این کتابچه خلاصه‌ای از جزء و جمع کلیه بلوکات آن ولایت بود که مبلغ کل عایدی هر بخش و بلوکی در آن نموده شده و جمع کل این اقلام جمع این دستورالعمل یا بودجه را تعیین می‌کرد. حاکم یا رئیس مالیه‌ای که به ولایت می‌رفت از روی این دستورالعمل، از حکام بلوکات قلمرو خود سند مالیاتی می‌گرفت و مالیات را بر طبق این سند از او مطالبه و وصول و ایصال می‌کرد و محاسبه سالیانه حاکم هم، بر طبق همین دستورالعمل ریخته می‌شد (مستوفی، ۱۳۸۸: ۳/ ۴۸۲).

با وجود دستورالعمل‌های مالیاتی نظام مالی عمومی مبتنی بر تعهد جمعی روستا، صنف و ایل از سوی دیگر سبب کلیشه‌ای^{۱۹} و سنتی‌شدن نظام اقتصادی قاجار شد. برآیند نهایی این نظام در ایران قاجاری عبارت بودند از:

۱. غلبه اقتصاد معیشتی؛
۲. ممانعت از فردگرایی و گسترش اقتصاد و تقسیم کار اجتماعی؛
۳. عدم رقابت‌پذیری اقتصاد در عرصه نظام جهانی؛
۴. تحرک‌پذیری ضعیف اجتماعی.

این نتیجه‌گیری به هیچ روی به معنای عدم وجود هر نوع عقلانیت یا امکان شکل‌گیری نوعی از توسعه اقتصادی در چارچوب نظام مالی عمومی مبتنی بر تعهد جمعی روستا، ایل و صنف در دوره مورد مطالعه نیست. به طوری که بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر با توجه به

عدم وجود امکان یا توانایی فرمانروایان قاجار در ایجاد نظام اداری و مالی متمرکز با استفاده از نیروهای نظامی و اداری که خود نشان از وجود نوع خاصی از پاتریمونالیسم به نام پاتریمونالیسم ایلی (قریشی و همکاران، ۱۳۹۶) داشت، یکی از عقلانی‌ترین روش‌ها برای مالیات‌ستانی استفاده از تقسیم‌بندی‌های با ثبات اجتماعی و اتکا بر سازماندهی درونی آن‌هاست. بر این اساس، ما برای اشاره به چنین عقلانیتی و در جهت انطباق هر چه بیشتر با تفرد تاریخی ایران قاجاری از مفهوم عقلانیت تانیسی^{۲۰} استفاده می‌کنیم. این مفهوم بر پیش‌بینی آینده بر حسب ویژگی محاسبه‌پذیر بودن خصلت‌ها و رفتارهای جمعی گروه‌بندی‌های اجتماعی شناخته‌شده دلالت دارد^{۲۱}. این نوع عقلانیت بر تصور جمع‌های نخستین چون گروه خویشاوندی، ایل و قوم مبتنی است و جمع‌های انتزاعی چون سازمان رسمی، دولت - ملت و امثالهم در آن متصور نیست. در واقع، آنچه امروزه مکرراً با عنوان سرمایه اجتماعی^{۲۲} از آن یاد می‌شود، در بستر عقلانیت تانیسی شکل می‌گیرد. هدف در این نوع از عقلانیت استفاده از اعتمادپذیری و قدرت شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر گروه‌های نخستین است، در حالی که عقلانیت صوری مدرن بر قدرت شبکه‌ها مبتنی نبوده و بر افراد و استعداد‌هایشان تکیه دارد. از این رو، با تشکیل دولت مدرن در ایران - به‌طور بارز از دوره مشروطیت به بعد - ما شاهد بیشترین هجسه بر این شبکه‌ها هستیم تا با گسستن آن‌ها سبب رشد فردگرایی شود، در حالی که در بیش‌تر موارد نتیجه این امر شکل‌گیری جامعه توده‌ای^{۲۳} در ایران بوده است. این نوع از عقلانیت با آنچه وبر از عقلانیت موجود در جوامع شرقی در نظر دارد همسو است.

تأکید عقلانیت متداول و رایج در جوامع سنتی آسیا بر ایده‌آل‌های انتزاعی است و مردم این جوامع مدافع شیوه‌ای از زندگی هستند که برقرارکننده ارتباطات اجتماعی سازگار و دمساز باشد و آن‌ها را از گرفتاری، دردسر و بی‌آبرویی دور نگه دارد. از این رو، مردم این جوامع بر هم‌نوایی، حرمت و تمکین نسبت به بالادستان و اطاعت از مقررات و آداب و رسوم سنتی تأکید زیادی می‌کنند (عضدانلو، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

پی‌نوشت‌ها

1. John Foran
2. Historical particularities
3. Max Weber
4. Rationalization
5. Rational Enterprise
6. Irrational

تحلیل جامعه‌شناختی موانع رشد اقتصاد سرمایه‌داری... ————— فردین قریشی و همکاران

۷. Stuarts
۸. Free Labor
۹. Patrimonialism
10. Liturgical
۱۱. Contributions
۱۲. Financing
۱۳. Vergemeinschaftung
۱۴. Historical particularity
15. E. P. Thompson
16. The Making of the English Working Class
17. Reinhard Bendix
18. Kings or People
۱۹. Stereotyping
۲۰. Vergemeinschaftung Rationalismus/Communal Rationalism

۲۱. همان‌طور که وبر (۱۳۸۴) نیز تا حدود زیادی عقلانی بودن را مبتنی بر پیش‌بینی‌پذیر بودن قرار می‌دهد (همان، ۲۶۶).

۲۲. social capital
۲۳. Mass Society

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*. ترجمه ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۹۲). *اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)*. تهران: خوارزمی.
- اسکاچپول، تدا (۱۳۸۸). *بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی*. ترجمه هاشم آقاجری. تهران: نشر مرکز.
- *اسناد قاجاری در کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان شامل اسناد ظل‌السلطان و دیگر درباریان قاجار، تلگراف‌ها، محاسبات و اسناد دولتی، کتابچه‌های جمع و خرج مالیات، انواع اسناد شرعی و اجتماعی (همراه با چند سند از دوره پهلوی)*. (۴۰۰۱ - ۴۴۸۸). دفتر نهم. به‌کوشش سید صادق حسینی اشکوری. مجمع ذخایر اسلامی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه*. تهران: زمینه.
- بندیکس، راینهارد (۱۳۸۲). *سیمای فکری ماکس وبر*. ترجمه محمود رامبد. تهران: هرمس.
- بطروشفسکی، ا. پ (۱۳۴۴). *کشاورزی و مناسبات ارضی ایران در عهد مغول*. ترجمه کریم کشاورز. ج ۱ و ۲. تهران: دانشگاه تهران.

- تاپر، ریچارد (۱۳۹۱). «قبایل در قرون هیجدهم و نوزدهم». در *تاریخ ایران کمبریج*، جلد هفتم قسمت دوم قاجاریه. ویراستاران پیتراوری و همکاران. ترجمه تیمور قادری. تهران: مهتاب.
- تامسون (۱۳۶۲). «جمعیت ایران در سال ۱۸۶۷ میلادی». در *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۲۱۵ - ۱۳۳۲ ق)*. ویراستار چارلز عیسوی. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- توحیدلو، سمیه (۱۳۹۴). *حیات اقتصادی ایرانیان در دوره مشروطه*. تهران: هرمس.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۹۲). *گنج شایگان (اوضاع اقتصادی ایران)*. تهران: سخن.
- چلبی، مسعود و غلامرضا عظیمی (۱۳۸۷). «مطالعه تطبیقی - تاریخی رابطه ساختار سیاسی با توسعه اقتصادی (ایران، چین و ژاپن ۱۸۰۰ - ۱۹۲۰)». *انجمن جامعه‌شناسی ایران*. د ۸. ش ۱. صص ۳ - ۵۱.
- دمین، آ. ای (۱۳۶۲). «بهره مالکانه (۱۹۵۰)». در *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۲۱۵ - ۱۳۳۲ ق)*. ویراستار چارلز عیسوی. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۳). *تحلیل جامعه‌شناختی از توسعه‌نیافتگی: بررسی تطبیقی - تاریخی ایران و ژاپن*. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس.
- رضایی، عبدالعلی (بی‌تا). «روند شکل‌گیری اصناف و تحول سازمان صنفی در ایران». *رسانه*. س ۸. ش ۴. صص ۶۲ - ۶۹.
- روستایی، محسن (۱۳۸۷). «آخرین فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار (در حذف مالیات صنف قصاب و خباز)». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. ش. صص ۱۰۲ - ۱۰۷.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۵). *عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران*. تهران: فرزانه روز.
- سیف، احمد (۱۳۹۴). *قرن گمشده، اقتصاد و جامعه ایران در قرن نوزدهم*. تهران: نشر نی.
- شوستر، مورگان (۱۲۹۴). *اختناق ایران*. ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری جزائری. کلکته: حبل‌المتین.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۸). «ماکس وبر و عقلانیت مدرن». *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*. ش ۲۵۹، ۲۶۰. صص ۱۰۰ - ۱۲۳.
- علمداری، کاظم (۱۳۸۰). *چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟*. تهران: توسعه.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۲۱۵ - ۱۳۳۲ ق)*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.

تحلیل جامعه‌شناختی موانع رشد اقتصاد سرمایه‌داری... _____ فریدین قریشی و همکاران

- فاضلی، نعمت‌الله و هادی سلیمانی قره‌گل (۱۳۹۱). نقش روشنفکران اواخر دوره قاجار در شکل‌گیری نخستین دولت مدرن در ایران. *جامعه‌شناسی تاریخی*. د ۴. ش ۲. صص ۱ - ۴۵.

- فلور، ویلم (۱۳۹۲). «جایگاه اصناف در نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران از دوران صفویه تا انقلاب اسلامی». ترجمه حمید حاجیان‌پور و زینب تاجداری. «پارسه». س ۱۳. ش ۲۰. صص ۳۵ - ۶۱.

- _____ (۱۳۹۴). *تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه*. ترجمه مرتضی کاظمی یزدی. تهران: تاریخ ایران.

- فوران، جان (۱۳۸۸). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۱۷۹ شمسی تا انقلاب*. ترجمه احمد تدین. تهران: خدمات فرهنگی رسا.

- قریشی و همکاران (۱۳۹۶). «تحلیل جامعه‌شناختی موانع اداری - مالی عقلانی‌سازی اقتصاد ایران در دوره ناصری (مطالعه موردی دوره زمامداری میرزا تقی‌خان امیرکبیر)». *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*. س ۶. ش ۳. صص ۳۹ - ۶۲.

- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۷). *تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخی و سیاست در ایران*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.

- _____ (۱۳۷۲). *اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی)*. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.

- _____ (۱۳۸۸). *نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران، نفت و توسعه اقتصادی*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر مرکز.

- کلانتر ضرابی، عبدالرحیم (۱۳۷۸). *تاریخ کاشان*. به کوشش ایرج افشار و اللهیار صالح. تهران: امیرکبیر.

- گوینو، ژوزف آرتور (۱۳۸۳). *سه سال در آسیا: سفرنامه کنت دوگوینو (۱۸۵۵ - ۱۸۵۸)*. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: قطره.

- لمبتون، آن کاترین سواين (۱۳۹۳). *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی و فرهنگی.

- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۸). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. ج ۱. ۲، ۳. تهران: زوار.

- ملکم، جان (۱۳۸۰). *تاریخ کامل ایران*. ترجمه میرزا اسماعیل حیرت. تهران: افسون.

- مینورسکی، ولادیمیر فیودورویچ (۱۳۳۴). *سازمان اداری حکومت صفوی*. تهران: زوار.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴). *روش‌شناسی علوم اجتماعی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر مرکز.
- _____ (۱۳۸۴). *اقتصاد و جامعه*. ترجمه عباس منوچهری و همکاران. تهران: سمت.
- ولی، عباس (۱۳۸۰). *ایران پیش از سرمایه‌داری*. تهران: مرکز.
- Bendix, R. (1980). *Kings or People (Power and Mandate to Rule)*. University of California Press, Berkeley.
- Giddens, A. (۱۹۷۲), *Politics and Sociology in the Thought of Max Weber*. Macmillan Education.
- Katouzian, H. (2003). *Iranian History and Polices (the dialectic of state and society)*. Routledge, London.
- Katouzian, H. (2004). "The short- time society: a study in the problems of Long- term Political and Economic Development in Iran". *Middle Eastern Studies*.40. 1.
- Katouzian, H. (2009). *The Persians: Ancient, Mediaeval and Modern Iran*. Yale University Press. New Haven and London.
- Kelsall, T. (2011). "Rethinking the Relationship between Neopatrimonialism and Economic Development in Africa". *IDS Bulletin*. Vol. 42. Blackwell Publishing Ltd.
- Löwith, K. (1993). *Max Weber and Karl Marx*, with a new preface by Bryan S. Turner, Routledge. London.
- Roth, G. & W. Schluchter (1979). *Max Weber Vision of History*. University of California Press.
- Thompson, E. P. (1966). *The Making of the English Working Class*. Vintage Books, New York.
- Weber, M. (1947). *The Theory of Social and Economic Organization*. Trs. by Talcott Parsons and A. M Handerson. Free Press. Glencoe, Illinois.
- Weber, M. (1961). *General Economic History*. translated by Frank H. Knight, Collier Books.
- Weber, M. (1978). *Economy and Society (An Outline of Interpretive Sociology)*. Trs. by Ephraim Fischhoff & et.al. eds. by Guenther Roth & Claus Wittich. University of California Press, Berkeley.

Sociological Analysis of Obstacles to the Growth of the Capitalist Economy in Iran (Case study: the second half of Qajar period)

Fardin Ghoreishi,^۱ Hosein Banifatemeh,^۲ Abbas Ghadimigheidari,^۳
Jamshid Torabi Aghdam^۴

Abstract

In this article, we tried to analyze administrative- Financial barriers of economic rationalization by utilizing the theoretical approach of Max Weber. In this regard, firstly, we analyzed the characteristics of the public finance organization based on the collective commitment (Liturgical) of the villages, ils (tribes) and guilds in the period Qajar. Then we studied components such as the domination of the livelihoods economy; the suppression of individualism and the expansion of the economy and the division of labor; the lack of competitiveness of the economy in the world system; the weak social mobility as the outcomes of the general tax system governing this period. In the end, based on research findings, the concept of Communal Rationalism has been presented as a theoretical modification with the historical particularity of Qajar Iran.

Keywords: Qajar Dynasty, public finance organization, Rationalization, Capitalist Economy, Patrimonialism

^۱Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran

^۲ Professor, Faculty of Social Science, University of Tabriz

^۳Associate Professor of History, Tabriz University

^۴ Ph.D. candidate of Sociology of Economics and Development, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz

